



نام درس: دناى ادیب

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: غزلیات سعدی (غزل ۱۰)

مقطع: دبستان و متوسطه ۱ پایه: چهارم تا هشتم





ای ساربان آهسته رو کارام جانم می رود
من مانده ام مَهجور از او بیچاره و رنجور از او
گفتم به نیرنگ و فُسون پنهان کنم ریش درون
مَحملِ بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان
او می رود دامن کشان من زهر تنهایی چشان
بُگذشت یار سر گشتم بگذاشت عیش ناخوشم

و آن دل که با خود داشتم با دلستانم می رود
گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود
پنهان نمی ماند که خون بر آستانم می رود
کز عشق آن سرو روان گویی روانم می رود
دیگر می پرس از من نشان کز دل نشانم می رود
چون مجمری پُر آتشم کز سر دُخانم می رود





با آن همه بیداد او وین عهد بی بنیاد او
باز آیی و بر چشمم نشین ای دلستان نازنین
شب تا سحر می نغنوم و اندرز کس می نشنوم
گفتم بگریم تا ابل چون خر فروماند به گل
صبر از وصال یار من برگشتن از دلدار من
در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن
سعدی فغان از دست ما لایق نبود ای بی وفا

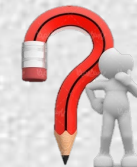
در سینه دارم یاد او یا بر زبانم می رود
کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می رود
وین ره نه قاصد می روم کز کف عنانم می رود
وین نیز نتوانم که دل با کاروانم می رود
گر چه نباشد کار من هم کار از آنم می رود
من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود
طاقت نمی آرم جفا کار از فغانم می رود





شرح واژگان و دشواری ها

ساربان: شتربان	مهجور: جدا و دور	نیش: خار و گزند
نیرنگ و فسون: حيله و فریب	ریش: زخم و جراحت	محمل: کجاوه، بارگاه
دامن کشان: با ناز راه رفتن	مجر: آتش دان	دخان: دود
آشوب: شور و غوغا	می نغنوم: نمی آسایم	غَنودن: آسودن-خوابیدن
اندرز: پند و نصیحت	وین ره نه قاصد می روم: این راه را با اراده ی خود طی نمی کنم.	
عنان: افسار	عنان از کف دادن: کنایه از بی اختیار و اراده شدن	
ابل: شتر	وصال: نزدیکی	برگشتن: این جا بی توجهی
		فغان: ناله و زار



درک مطلب

۱- قافیه های درونی را بیابید.

۲- کدام بیت این غزل را بیشتر پسندیدید؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>